

حمایت بین المللی اطفال

اگر امری با اخلاق منافات داشته لازمه حتمی ندارد که از لحاظ حق و عدالت هم مذموم باشد صرف رضایت رافع مسئولیت یا لاقول تقلیل دهند. آنت مگر نه مفهوم قضائی رضایت - طبیعت حقوقی آن - واگذاری حق - بنا بگفته ایبرینگ (iberinig) دادن اختیار (بنا بگفته Zitelmann زی تلمان) انصراف از حق و عدم استفاده از قدرت قانونی (بنا بگفته پفردورف - pferdorff) قبول خطر (بنا بگفته هویکا Hupka) است دیگر بچه مناسبت کلاه از آتش گرمتر شده با وجود رضایت طرف توجیه و تأویب نمود که رضایتش خالی از غل و غش نبوده است تمیز این کار و تشخیص آن با دادرسان دادگاه است و آنکه بی بحث برای موقی است که طرف بدون هیچگونه اکراه و تحت تأثیر هیچگونه عاملی نبودن رضایت داده باشد اگر کسی عرض زندگانی را بر طول آن ترجیح داد بایستی موجب ملامتش دانست؟

در کدام يك از اعمال نامبرده شده عنصر اصلی گناه سوء نیت و قصد اضرار وجود دارد؟

عقیده دومی با وجودیکه ظاهر فریبنده دارد بگمان ما کاملاً صحیح نبوده مخالف انتظام جامعه است با وضع کنونی دنیا آزادی افراد بسته به عظمت و ترقی جوامع بوده میتوان گفت که فدا کردن مصالح و مقدرات فرد در مقابل اجتماع باز نفع افراد است آزادی برای کسانی که تمیز و تشخیص نیک و بد و نفع و ضرر را نمیتوانند بدهند جزو اشیاء و بره و تجملی است و هر کس نمیتواند آنرا چنانچه باید مورد استفاده قرار دهد همانطور که دولت با وضع قوانین و آئین نامه ها جلوی نوشابه فروشی عمومی - فحشاء - امراض ساریه را گرفته آزادی افراد را تضییق میکند یا اعلام بیماریهای ساری را اجباری کرده مبتلایان بامراض تناسلی را از مزاحمت ممانعت میکند همینطور هم صالح و محق است که از احساساتی

دسته دیگر (ویدال Vidal - مانیول Magnol - ویله Villey دون دیودو وایر Donnedieu de Vabres هوک-نه Hugney کوش Cuche فسررد را مللک جانت - عرض - ناموس - شرافت خود دانسته Dominus membrorum Suorum جامعه را تشکیل یافته از افراد میدانند و معتقدند که - آزاد بودن و نقید به هیچ قید نبودن دلیل رشد جامعه و تکامل اخلاق مردم است - اجتماع حق ندارد که فرد را مستهلک خود کند سنگ جامعه را انقدر ها نباید بسینه زد اجتماعی که از افراد بی اراده - جبان محافظه کار - اسیر تشکیل شده باشد در مبارزه حیاتی ارزشی نخواهد داشت دیر بازود مقهور گران جانان و آزادگان خواهد شد ازین گذشته با وجود تشابهی که ظاهراً اعمال با هم دارند فرقههای کلی بین آنها موجود است آیا مرکی که از جنگ تن به تن حاصل شده میتواند با قتل عمد یکسان دانست؟ آیا مشت زنی که در اثر بازی مشت مجروح و مضروب حریف شده! با هیچ منطقی نمیتواند حریف را به عنوان ایراد ضرب و جرح تعقیب کند گرفتار بیماری درمان نا پذیری که بطور حتم میدانند چند ماه دیگر خواهد مرد از دوست یا پزشک یا یکی از اقوامش بخواد که زندگیش که جز رنج کشیدن و درد سر برای او و دیگران فایده ای ندارد کوتاه کند و نامردگان برای آنکه او را از رنج ماندن برهانند به خواهشش ترتیب اثر بدهند آیا عقلا و منطقاً میتوان آنها را آدم کش معرفی نموده جزاً تعقیب کرد؟

پاسخ این پرسش ها را هر منصفی منفي خواهد داد و خلاف آنرا کسی جز منفي خواه ثابت نخواهد کرد از طرفی - حقوق همیشه با اخلاق فرق داشته و دارد و بایستی این دو با هم قابل تبدیل دانسته اشتباه کرد.

رسیدن باین سن هیچگونه تأثیری در تعقیب جزائی نخواهد داشت در اغلب کشورها سن بلوغ جزائی برای ذکور و اناث ۱۶ سال تمام است (مثلاً در بلژیک - نروژ - انگلستان - ایرلند - ایسلاند Island - هلند) در بعضی از کشورها بمناسبت کیفیات جغرافیائی و عرف و عادت و طرز تفکر - سن کمتری پیش بینی شده.

(مثلاً در جمهوری دمنیکان Dominicanaine و استونی Estonie که سن بلوغ جزائی برای ذکور ۱۱ سال و برای اناث ۱۰ سال تمام است.)

۲- در پاره از کشورها حتی پس از رسیدن به سن بلوغ جزائی باز در عرض دو سال دادستان - یا اقوام - قلم طفل میتوانند بر عایه فاعل عمل منافی عفت یا هتك ناموس تعقیب جزائی کنند.

(مثلاً در استونی - چکواسلواکی - هنگری - یوگوسلاوی -) ولی رضایت طفل - اقوام - قلم تخفیف کلی در تعیین مجازات خواهد داشت و حتی اگر بدادگاه ثابت شد که شاکی عقیف نموده یا واقعاً عامل گناه سن او را پیش از آنچه دارد تصور میکردند میتواند او را از مجازات معاف دارد.

۳- در تمام کشورها اگر بین مرتکب و مجنی علیه قرابت یا سمت قیمومت یا - صاحب اختیاری - یا سمت علمی و روحانی (مثل - دبیر - پزشک - کشیش - الله -) موجود باشد مجازات پیش بینی شده بمراتب شدیدتر است .
[قانون مجازات عمومی مادر ماده ۲۰۷ این اصل را تصریح کرده است.]

۴- کمیته حمایت اطفال - سن بلوغ جزائی ۱۶ سال تمام را کافی ندانسته معتقد است که سن زیادتری باید پیش بینی شود و دادستان حق داشته باشد که حتی پس از سپری شدن سن بلوغ جزائی تا ۲۱ سالگی در مواقع ضروری قضیه را تعقیب کند.

دکتر احمد هومن

که نانی از ضعف روح و جسم - بیتجربگی - یا جهالت بوده و بطور محسوس خلاف نظم اجتماع است جلوگیری کند میخواره مدام نمیتواند ادعا کند که مالک ربه - کبند - روح و جسم خود بوده میخواره که سیل دمام بنیانش را بکند مبتلای به بیداری تناسلی نمیتواند بلحاظ اینکه زنی را که میخواره با او مزاجت کند از بیماری خود آگاه کرده و رضایت داده عروسی کند این مطالب اگر از جنبه ادبی - احساساتی و فلسفی اشکال دارد از جنبه اجتماعی قابل هیچگونه ایرادی نیست.

حال بینیم که قانونگذاران کشور در قوانین مصوبه خود در این خصوص چه تصمیمی اتخاذ نموده اند .
بطور کلی اغلب قوانین موضوعه موضوع رضایت و قابل ترتیب اثر بودن یا نبودن آنرا مسکوت عنه گذارده اند بعضیها صریحاً هیچگونه تأثیری برای رضایت قائل نشده (مثل قانون مجازات عمومی برزیل - مکزیک) بعضیها در موقع رضایت طرف مسئولیت خفیفتر یا حداقل مجازات را پیش بینی نموده اند (مثل قانون مجازات عمومی نروژ و ماده ۲۳۵ و ماده ۱۳۴ قانون مجازات عمومی یونان ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی هندوستان و غیره) برای اطلاعات بیشتر به رساله دکتر محسن نصر ۱۹۳۳ و رساله بدر M.Badr ۱۹۲۸ تحت عنوان تأثیر رضایت در مسئولیت جزائی مراجعه شود در اکثر کشورها دادگاهها اصولاً فرقی بین جنگ تن به تن و قتل عمد - جرح وارده در نتیجه آن یا جرح عادی نمیکذارند ولی عملاً در تعیین مجازات ارفاق کلی نسبت بعامل قائل میشوند.

از پاسخ هائی که در ذیل در خصوص سن بلوغ جزائی به سر دبیر کمیسیون حمایت اطفال و مجمع اتفاق بن ملل فرستاده اند نکات زیر بن نتیجه میشود:

۱- در تمام کشورها سن بلوغ جزائی در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده تمکین طرف و رضایت او قبل از